

حقوق والدین و فرزندان نسبت به هم

قبل از اینکه به حقوق والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر اشاره ای داشته باشیم، توجّه به این نکته لازم است که: علت پیدایش حقوق چیست؟

انسان، طبعاً اجتماعی و به اصطلاح «مدنی بالطبع» است. او برخلاف اکثر حیوانات، به تنهایی قادر به رفع نیازمندی های همه جانبه اش نیست و چنانکه بخواهد یک زندگی سعادت‌مندانه داشته باشد، باید با هم‌نوعانش گرد هم آمده، هر کدام بار مسئولیت گوشه ای از اجتماع را به عهده بگیرند؛ یکی کشاورزی کند، دیگری نساجی، و دیگری خیاطی و...

بدیهی است که در زندگی اجتماعی، مقرراتی لازم است تا وظایف و تکالیف افراد تعیین شود و حدود روابط آنان مشخص شود و در صورت اصطکاک منافع، از تجاوزها و تعدّیات آنان جلوگیری شود.

اصولاً حق، دوطرفه است؛ مثلاً اگر کوچکتر موظّف است بزرگتر را مورد احترام قرار دهد، بزرگتر نیز وظیفه دارد کوچکتر را مورد محبت قرار دهد.

از جمله مواردی که افراد نسبت به همدیگر حقی دوطرفه دارند، حقوق والدین و فرزندان بر یکدیگر است و هر کدام از والدین و اولاد، از نظر اسلام بر دیگری حقوقی دارند که ائمه اطهار علیهم السلام در بیانات گهربار خود، به حقوق متقابل آنان اشاره فرموده اند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

ان للولد علی الوالد حقّاً، و ان للوالد علی الولد حقّاً، فحقّ الوالد علی الولد ان یطیعه فی کلّ شیء الا فی معصیة الله سبحانه، و حقّ الولد علی الوالد ان یحسّن اسمه، و یحسّن أدبه، و یعلّمه القرآن. (۱۸۳)

فرزند را بر پدر، حقی و پدر را بر فرزند حقی است. حقّ پدر بر فرزند، آن است که پدر را در هر چیز، مگر در نافرمانی از خداوند سبحان، اطاعت و پیروی نماید، (۱۸۴) و حقّ فرزند بر پدر، آن است که نام فرزند را نیکو قرار دهد و او را با ادب و آراسته تربیت کند و قرآن را به او بیاموزد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

من حقّ الولد علی الوالدین یحسّن اسمه، و یحسّن أدبه (۱۸۵).

از جمله حقوق فرزند بر پدر، این است که نام نیکو و زیبا برای او انتخاب کند و او را با ادب و آراسته تربیت کند.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است:

حقّ الولد علی والده اذا کان ذکراً ان یتفرّه أمّه، و یتحسّن اسمه، و یعلّمه کتاب الله و یطهره، و یعلّمه السباحة، و ان کانت أنثی ان یتفرّه أمّها، و یتحسّن اسمها، و یعلّمها سورة النور... (۱۸۶)

حق فرزند بر پدر، در صورتی که پسر باشد، آن است که مادرش را مسرور گرداند، و نام او را نیکو قرار دهد، و کتاب خدا را به او بیاموزد، و او را پاکیزه نگاه دارد، و شنا کردن را به او تعلیم دهد؛ و اگر دختر باشد، این است که مادرش را خشنود گرداند، و نامش را نیکو نهد، و سوره نور را به او تعلیم دهد.

از امام رضا علیه السلام روایت شده است:

جاء رجل الى النبي صلى الله عليه و آله فقال: «يا رسول الله! ما حق ابني هذا؟»، قال: تحسن اسمه و أدبه، و ضعه موضعاً حسناً. (۱۸۷)

مردی حضور پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: «حق این فرزند بر من چیست؟». پیغمبر فرمود: نام و ادب او را نیکو گردانی و او را در جای شایسته خویش، قرار دهی.

در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

من حق الولد علی والده ثلاثه: يحسن اسمه، و يعلمه الكتابه، و يزوجه اذا بلغ. (۱۸۸)

از جمله حقوق فرزند بر پدر، سه چیز است: اسم نیکو برای او انتخاب کند؛ کتاب و نوشتن به او بیاموزد، و هنگامی که بالغ شد، برای او همسر بگیرد.

انتخاب نام نیکو برای کودک

یکی از حقوق فرزند بر پدر و در واقع نخستین احسان و نیکی پدر نسبت به کودک، پس از تولد، آن است که نام نیکو و مناسبی برای او انتخاب نماید. امام رضا علیه السلام فرمود:

أول ما يبزر الرجل ولده أن يسميه باسم حسن فليحسن أحدكم ولده. (۱۸۹)

نخستین امری که پدر به وسیله آن به فرزندش احسان و نیکی می نماید، آن است که نام نیکو و زیبایی برای او انتخاب کند. پس البته باید هر یک از شما نام فرزندش را نیکو قرار دهد.

ذکر این نکته لازم است که از نظر روانی، اگر برای کودک اسم زننده و مضحکی انتخاب کنیم، باعث می شود که همواره مورد استهزا واقع شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام برای جلوگیری از این گونه مورد تحقیر واقع شدن، فرموده اند: که برای اولاد خود، نام نیکو انتخاب کنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إنَّ أوَّل ما ينحل أحدكم ولده الاسم الحسن. (۱۹۰)

اولین عطا و بخشش هر یک از شما به فرزند خود، نام خوبی است که برای او انتخاب می کنید.

جابر در روایتی آورده است:

أراد أبو جعفر عليه السلام الركوب الى بعض شيعته ليعوده، فقال: «يا جابر! الحقني فتبعته»، فلما انتهى الى باب الدار خرج علينا ابن له صغير»، فقال له أبو جعفر عليه السلام: «ما اسمك؟»، فقال: «محمد»، قال: «فبما تكنتي؟»، قال: «بعلي»، فقال أبو جعفر عليه السلام: لقد احتظرت من الشيطان احتظاراً شديداً، ان الشيطان اذا سمع مناديا ينادي يا محمد، يا علي، ذاب كما يذوب الرصاص حتى اذا سمع مناديا باسم عدو من أعدائنا اهتز و احتال. (۱۹۱)

امام باقر عليه السلام می خواست یکی از شیعیان را عیادت کند، فرمود: «ای جابر! تو با من باش». وقتی که حضرت به در آن خانه رسید، کودکی آمد. حضرت از او پرسید: «نامت چیست؟». او گفت: «محمد». فرمود: «کنیه ات چیست؟». عرض کرد: «علی». حضرت فرمود: دور شدی از شیطان، دورشدنی شدید؛ زیرا شیطان وقتی که می شنود کسی صدا می زند: یا محمد، یا علی، او آب می شود، مثل آب شدن قلع و سرب، تا اینکه می شنود کسی اسمی از اسمای دشمنان ما را می گوید. در این هنگام، شیطان به اهتزاز در می آید و به خود می بالد.

اهمیت نامگذاری کودکان تا این اندازه است که سفارش ائمه معصومین علیهم السلام به این است که اولاد خود را قبل از تولد، نامگذاری کنید. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

سموا أولادكم قبل أن يولدوا فان لم تدرؤا أذكر أم انثى فسموهم بالأسماء التي تكون للذكر و الأنثى، فإن أسقطكم إذا لقوكم يوم القيامة و لم تسموهم يقول السقط لأبيه: ألا سميتني، و قد سمى رسول الله صلى الله عليه و آله محسنا قبل أن يولد. (۱۹۲)

فرزندان خود را قبل از اینکه به دنیا بیایند نامگذاری کنید، و اگر نمی دانید که مولود، پسر است یا دختر، او را به اسمی نامگذاری کنید که هم برای پسر مناسب است و هم برای دختر اگر بچه به صورت سقط از مادر جدا شود، روز قیامت به پدر خود می گوید: «چرا برای من نامی را انتخاب نکردی»، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای فرزندش نام محسن را قبل از تولد، انتخاب کرد.

یکی از راههای زنده نگاه داشتن نام اولیای دین، این است که مسلمانها برای فرزندان خود، نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را انتخاب کنند و با نامگذاری اسمهای زیبا و خوب، علاوه بر ادای حق فرزندان، محبت و علاقه خود را نسبت به آنان ابراز نمایند. در روایات آمده است:

قیل لأبی عبدالله علیه السلام : «أنا نسَمی بأسمائکم و أسماء آبائکم فینفَعنا ذلک؟» فقال: أی والله.

در محضر امام صادق علیه السلام عرض شد «ما فرزندان خود را به نام شما و پدرانتان نامگذاری می کنیم، آیا این عمل برای ما در پیشگاه الهی اجر و فایده ای دارد؟». حضرت فرمود: بلی، به خدا قسم، فایده دارد.

در جایی که نامیدن فرزندان به اسامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام مورد اجر و پاداش خداوند است و باعث عزت مسلمانهاست، جای بسی تأسف است که عده ای، نامهای غیراسلامی برای فرزندان خود انتخاب می کنند.

اولیای اسلام، به رهروان و پیروان خود سفارش و توصیه کرده اند که فرزندان خود را به اسامی پیشوایان و بزرگان الهی، نامگذاری کنند. امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند:

من ولدله أربعة أولاد لم یسم أحدهم باسمی فقد جفانی. (۱۹۳)

کسی که چهار فرزند بیاورد و هیچ یک را به اسم من نامگذاری نکند، به من جفا کرده است.

پدران و مادران گرامی، توجه داشته باشند که با بودن اسامی زیبا و محبوبی مثل احمد، محمد، علی، مرتضی، مصطفی، حسن، مجتبی، حسین، سجاد، باقر، صادق، کاظم، رضا، تقی، نقی، علی اصغر، مهدی، فاطمه، زهرا، معصومه، بتول، زینب، محدثه، حلیمه، نرگس، کلثوم، و نظایر اینها چرا برای فرزندان خود نامهای بی مفهومی که موجب ترویج فرهنگ غربی است، انتخاب کنیم، و این یک وظیفه دینی است که مؤمنین باید هوشیار باشند و مظاهر اسلامی را در تمام امور، مخصوصاً در نامگذاری فرزندان، رعایت کنند. امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل می کند:

ان رسول الله صلى الله عليه و آله كان يغير الأسماء القبيحة في الرجال و البلدان. (١٩٤)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نامهای قبیح مردم و شهرها را تغییر می داد.

امام صادق علیه السلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

استحسنوا أسماءکم فاتکم تدعون بها يوم القيامة. (١٩٥)

[فرزندانتان را] نیکو نامگذاری کنید. به راستی که شما در روز قیامت با آن نام، خوانده می شوید.

و در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده:

لا يدخل الفقر بيتاً فيه اسم محمد أو احمد أو علی أو الحسن أو الحسين أو الطالب أو جعفر أو عبدالله أو فاطمة من النساء. (١٩٦)

فقر و پریشانی در خانه ای که نامهای محمد، احمد، علی، حسن، حسین، طالب، جعفر، عبدالله، و از زنان، نام فاطمه در آن باشد، وارد نمی شود.

شخصی دختری داشت به نام عاصیه، یعنی گناهکار. رسول خدا صلی الله علیه و آله اسم او را تغییر داد و او را جمیله، یعنی زیبا نامید. در اینجا جا دارد به مناسبت

بحث، یادی از حلیمه سعدیه به میان آوریم.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در ایام شیرخوارگی، پستان هیچ یک از زنان شیرده را نمی گرفت. سرانجام، حلیمه سعدیه که آمد، طفل، پستان او را مکید و از آن شیر خورد. سرور و خوشحالی، خاندان حلیمه سعدیه را فرا گرفت. عبدالمطلب، پدر بزرگ گرامی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به او گفت: «از کدام قبیله ای؟» گفت: «از بنی سعد». پرسید: «اسمت چیست؟» جواب داد: «حلیمه». عبدالمطلب از شنیدن اسم او و نام قبیله اش بسیار مسرور شد و گفت آفرین، آفرین؛ دو خوی پسندیده و دو خصلت شایسته. یکی سعادت و دیگری حلم و بردباری.

از مجموع این نکات، به دست می آید که نامگذاری، یکی از حقوق پدر نسبت به فرزند خود است که به هنگام تولد یا قبل از تولد، باید آن را به نحو احسن رعایت کند و تحت تأثیر هیچ عاملی، جز اندیشه اسلامی قرار نگیرد.

تربیت شایسته

دومین حق فرزند بر پدر، آن است که او را تربیت نیکو کند: «و یحسن أدبه». پرورش ایمان و اخلاق نیکو و پسندیده، در دوران کودکی، یکی از حقوق فرزندان، در آیین اسلام است و روایات بسیاری در این باره وارده شده است. حضرت سجاد علیه السلام در ضمن حقوق فرزند، فرموده است:

و أنك مسئول، عمّا ولیته به من حسن الأدب و الدلالة علی ربه. (۱۹۷)

پدر در ولایتی که به فرزند دارد، مسئول است که او را مؤدب و با اخلاق پسندیده پرورش دهد و او را به سوی خداوند بزرگ، راهنمایی کند.

تعلیم و تربیت فرزندان، یکی از مسائل مهم و بحثهای مفیدی است که باید در جای خود مطرح شود.

آموختن قرآن

سومین حق فرزند بر پدر، آن است که به او قرآن بیاموزد: «و یعلمه القرآن».

از وظایف اصلی و اولیه والدین، این است که فرزندان خود را با قرآن به صورت روحوانی، تجوید و آشنایی با معارف آن آشنا کنند. کودکانی که از اول با آشنایی نسبت به خدا و با فراگیری کتاب آسمانی تربیت می شوند، اراده ای قوی دارند و نتایج درخشان ایمان و انس با قرآن، از خلال گفتار و رفتارشان به خوبی مشهود است. امام صادق علیه السلام فرموده است:

بأدورا أولادکم بالحديث قبل أن یسبقکم الیهم المرجئة. (۱۹۸)

احادیث را به فرزندان خود، هر چه زودتر بیاموزید، قبل از آنکه مخالفان بر شما سبقت گیرند و دل‌های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش، اشغال نمایند.

علی علیه السلام به فرزندش حضرت حسن علیه السلام فرمود:

و آتما قلب الحدث کالأرض الخالیة، ما ألقى فیها من شیءٍ قبلته فبادرتک بالأدب قبل أن یقسوا قلبک و یشغل لَبک. (۱۹۹)

قلب بچه نارس و کوچک، مانند زمین خالی از بذر و گیاه است. هر تخمی که در آن افشانده شود، به خوبی می پذیرد و در خود می پرورد. فرزند عزیز، از دوران کودکی تو استفاده نمودم و خیلی زود در پرورش تو قیام کردم، پیش از آنکه دل تربیت پذیرت، سخت شود و مطالب گوناگونی عقلت را اشغال نماید.

و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت است:

انّ المعلم اذا قال للصّبی «بسم الله»، کتب الله له و للصّبی و لوالدیه برائةً من النار. (۲۰۰)

وقتی معلّم به کودک، «بسم الله» گفتن را بیاموزد، خداوند، معلّم و کودک و همچنین پدر و مادر طفل را از عذاب، مصون می دارد.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: خداوند به پدر و مادر، پاداش بزرگی عنایت می فرماید. آنان می گویند: «پروردگارا! این همه تفضّل درباره ما از کجاست؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نیست.» در جواب گفته می شود: این همه پاداش به جهت این است که به فرزند خود، کتاب خدا را آموختید و او را نسبت به آیین اسلام، بینا تربیت کردید. در حدیث است:

عدد درج الجنّة عدد آی القرآن، فاذا أدخل صاحب القرآن الجنّة، قيل له:

ارق و اقرأ لكل آية درجة فلا تكون فوق حافظ القرآن درجة. (۲۰۱)

تعداد درجات بهشت، به اندازه آیات قرآن است. بنابراین، وقتی کسی که با قرآن مأنوس بود، وارد بهشت می شود. به او گفته می شود که با هر آیه ای که می خوانی، بالا بیا که برای هر آیه، درجه ای است و بالاتر از حافظ قرآن، درجه ای نیست.

عبدالرحمان سلّمی به یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام سوره حمد را آموخت. وقتی کودک در حضور پدر، سوره حمد را خواند، حضرت حسین علیه السلام علاوه بر پول نقد و پارچه ای که از راه حق شناسی به معلّم طفل داد، دهان آموزگار را از دُر پُر کرد. کسانی از این همه عطا، تعجّب کردند و در آن باره از حضرت سؤال کردند. امام علیه السلام در جواب فرمود: کجا پاداش مالی من، با عطای آموزش این معلّم، برابری می کند. یعنی خدمت تعلیم سوره حمد، از عطای مالی من، ارزنده تر است. (۲۰۲)

با فراگیری قرآن توسط کودک، نور ایمان در قلب او روشن می شود و با انجام اعمال شایسته، شعاع نورانیتش وسیع گردد و همه قلب را فرا می گیرد و تمام ضمیر و باطن را روشن و منور می کند. در اینجا مناسب است که در مورد فراگیری قرآن و عظمت آن، احادیثی را از ائمه معصومین علیهم السلام بیان کنیم:

سفارش به قرآن

امیر المؤمنین علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید:

و الله و الله فی القرآن، لایسبقکم بالعمل به غیرکم. (۲۰۳)

از خدا بترسید درباره قرآن که دیگران با عمل به آن، بر شما پیشی نگیرند.

آموزش قرآن

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

حق الولد علی والده أن یحسن اسمه... و یعلمه الكتاب. (۲۰۴)

حق فرزند بر پدر، آن است که به او قرآن بیاموزد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

علموا أولادکم یش فأنها ریحانة القرآن. (۲۰۵)

به فرزندانان سوره یاسین بیاموزید؛ زیرا این سوره، گل قرآن است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

من علم ولده القرآن، فكأنما حج البيت عشرة آلاف حجة... (۲۰۶)

هر کسی به فرزندش قرآن بیاموزد، مانند این است که ده هزار بار خانه خدا را زیارت کرده باشد.

قرآن مجید، در بردارنده برنامه ای کامل برای زندگی بشر در طول تاریخ است؛ زیرا دین مقدس اسلام که بهترین و برترین ادیان است، بهتر از دیگر ادیان، سعادت انسانها را تأمین می کند:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ. (۲۰۷)

به درستی که این قرآن انسانها را به آیینی که استوارتر از هر آیین دیگر است، رهنمون می کند.

قرآن مجید، کتابی است همیشگی، و معجزه جاویدان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، محدود به وقت و زمان معینی نیست و تمام نیازها و خواسته های بشر و راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی؛ همچنین اصول اخلاقی و قوانین عملی را به صورت مبسوط بیان نموده است. بر تمام مسلمانان اهمیت این کتاب آسمانی، روشن است و باید نسبت به آموزش آن در مرحله اول و آشنایی با مفاهیم و معانی آن، و تدبّر و تفکر در این کتاب آسمانی در مراحل بعدی، توجه بیشتری شود.

ائمه اطهار علیهم السلام انسانها را به تعلیم و تعلّم، تشویق نموده اند تا این تعلیم، وسیله ای باشد برای آن هدف اصلی؛ یعنی هدایت انسانها به صراط مستقیم و برخورداری از عزّت و سعادت دنیا و آخرت.

روایاتی چند درباره یادگیری قرآن

۱ - عن معاذ قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله ، يقول: ما من رجل علّم ولده القرآن الاّ توجّه الله أبويه يوم القيامة تاج الملك، و كيسا حلتين لم يرالناس مثلهما.(۲۰۸)

از معاذ روایت شده است که گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هر کسی به فرزندش قرآن تعلیم دهد، خداوند متعال در قیامت، والدین او را به تاج پادشاهی تاجدار می کند و بر آن دو، جامه ای می پوشاند که هیچ کسی مثل آنها را ندیده است.

۲ - عن علی علیه السلام : انّ النّبی صلی الله علیه و آله قال: خيارکم من تعلّم القرآن و علّمه.(۲۰۹)

امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد.

۳ - عن النّبی صلی الله علیه و آله قال: أفضل العبادة قراءة القرآن.(۲۱۰)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: بهترین عبادت، خواندن قرآن است.

۴ - عن أبي عبدالله عليه السلام قال: ينبغي للمؤمن أن لا يموت حتى يتعلّم القرآن، أو يكون في تعليمه.
(۲۱۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید: سزاوار است که مؤمن هنگام مرگ، یا در حال یاد گرفتن قرآن و یا در حال یاد دادن آن باشد.

۵ - عن أمير المؤمنين عليه السلام أنّه قال: و تعلّموا القرآن فأنّه ربيع القلوب، و استشفعوا بنوره فأنّه شفاء الصدور، و أحسنوا تلاوته فأنّه أنفع.(۲۱۲)

علی علیه السلام می فرماید: قرآن را یاد بگیرید که بهار دلهاست، و نیکو آن را تلاوت کنید که سودمندترین چیز برای شما قرآن است.

اینها نمونه هایی بود از روایاتی که درباره فراگیری قرآن وارد شده بود و بعد از فراگیری قرآن که همه ما، مخصوصاً والدین، در این امر وظیفه سنگینی بر عهده داریم و باید به قرائت آن، اهمیت داد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

قراءة القرآن فی المصحف تخفف العذاب عن الوالدین و لو كانا کافرین. (۲۱۳)

خواندن قرآن از روی آن، عذاب پدر و مادر را سبک می کند، اگر چه آنها کافر باشند.

فراهم کردن مقدمات ازدواج

از جمله حقوق فرزند بر پدر و مادر، آن است که هنگامی که فرزند به سن بلوغ رسید، همسر شایسته و مناسبی برای او انتخاب کنند: «... و یزوجه اذا بلغ».

وقتی فرزند دوران طفولیت خود را گذراند و به سن بلوغ و جوانی رسید، معلوم است که غرائز در او شکفته می شود و یکی از غرائز، غریزه جنسی است که هر جوانی به جنس مخالف خود علاقه مند می شود. وجود غرائز، آن هم غریزه شهوت در وجود هر کس، امری طبیعی است و در تمام افراد، این غریزه وجود دارد و هر کسی باید به طریقی آن را ارضا کند.

دین مبین اسلام با دعوت به ازدواج، مردم را از لغزش نجات داده است و اگر پدر و مادر به این امر مهم توجه نکنند و در راه ایجاد تسهیلات برای ازدواج جوان خود تلاش نکنند، ممکن است که دچار فحشا و بی عفتی شود و به حیثیت و شخصیت خود و خانواده، لطمه وارد سازد. لذا چاره کار، همان ازدواج است که در اسلام درباره آن توصیه های زیادی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

خيار اُمّتی المتأهلون و شرار اُمّتی العزاب. (۲۱۴)

نیکان اُمّت من، کسانی هستند که ازدواج کرده اند و بدان اُمّت من، عَزَبها هستند.

حضرت علی علیه السلام فرموده است:

لم یکن أحد من أصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله تزوّج الا قال رسول الله کمل دینه.

هر کدام از اصحاب پیغمبر که ازدواج می کردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: دینش کامل شد.

در روایت دیگری از علی علیه السلام آمده است:

تزوّجوا فانّ التزوّج سنّة رسول الله صلی الله علیه و آله ، فانّه کان یقول: من کان یحبّ أن یتبع سنّتی فانّ من سنّتی التزوّج الحدیث. (۲۱۵)

ازدواج کنید؛ زیرا ازدواج، از سنّت رسول خداست و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرمود: هر کسی که دوست دارد پیرو سنّت من باشد، از سنّت من، ازدواج است.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

من تزوّج أحرز نصف دینه. (۲۱۶)

هر کسی که ازدواج کند، نصف دین خود را به دست آورده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

رکعتان یصلیهما المتزوج أفضل من سبعین رکعة یصلیها أعزب.

دو رکعت نماز شخص متأهل، بهتر است از هفتاد رکعت نماز که نمازگزار مجرد به جا می آورد.

از مجموع این احادیث، استفاده می شود که دین مبین اسلام، سفارش زیادی به امر ازدواج نموده است.

نکته دیگری که درباره زناشویی باید متذکر شد، این است که آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به ازدواج آسان، ترغیب نموده اند و اینکه شخصی که می خواهد این امر خیر را انجام دهد، نباید به دلیل مخارج زیاد، ازدواج کردن را ترک کند یا به تأخیر بیندازد. خداوند متعال می فرماید:

وَ أَنْكَحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.
(۲۱۷)

مردان و زنان بی همسر را همسر دهید، و همچنین غلامان و کنیزان درستکار را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز می سازد خداوند، واسع و آگاه است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

الرزق مع النساء و العیال. (۲۱۸)

روزی، همراه همسر و فرزند است.

در روایت دیگری از آن حضرت آمده است:

جاء رجل الى النبي صلى الله عليه و آله فشكا اليه الحاجة، فقال: تزوج فتزوج فوسع عليه. (۲۱۹)

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از تهیدستی و نیازمندی شکایت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ازدواج کن». او هم ازدواج کرد و در کار او گشایش پیدا شد.

و اگر برای جوانی مقدمات ازدواج فراهم نیست، باید در جامعه اسلامی که روح تعاون در درون آن است، افراد باید به یکدیگر کمک کنند. اهمیت این مسئله به قدری است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

أفضل الشفاعات أن تشفع بين اثنين في نكاح حتى يجمع الله بينهما.

بهترین شفاعت و خیرخواهی، آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجیگری کنی، تا این امر خیر صورت بگیرد.

امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

ثلاثة يستظلون بظلّ عرش الله يوم القيامة يوم لا ظلّ الا ظله، رجل زوج أخاه المسلم، أو أخدمه، أو كتم له سرّاً. (۲۲۰)

سه طایفه اند که در روز قیامت، در سایه عرش خدا قرار دارند، روزی که سایه ای جز او نیست: کسی که وسائل تزویج برادر مسلمانش را فراهم سازد، کسی که هنگام نیاز به خدمت، خدمت کننده ای برای او فراهم کند، و کسی که آسرار برادر مسلمانش را پنهان دارد.

از این احادیث شریف، می توان استفاده کرد که درست است که یکی از حقوق فرزند بر پدر، انتخاب همسر شایسته برای فرزند است؛ اما اگر پدر توانایی این کار را ندارد، برادران دینی و مسلمان، باید او را در این امر مهم، یاری دهند.

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده که هر کسی در امر ازدواج، قدم بردارد، برای هر قدم او ثواب زیادی در نظر گرفته می شود:

کان له بكلّ خطوة خطاها، أو بكلّ کلمة تکلم بها فی ذلک، عمل سنة قیام لیلها و صیام نهارها. (۲۲۱)

برای هر قدم او و هر کلمه ای که بگوید، ثواب یک سال عبادت که روزها روزه بگیرد و شبها را به شب زنده داری بگذراند، در نامه عمل او نوشته می شود.

اسلام در مورد ازدواج فرزندان، مسئولیت سنگینی بر دوش پدران گذارده، و پدرانی که توانایی این امر حیاتی را داشته باشند، ولی سهل انگار یا بی تفاوت باشند، شریک جرم انحراف فرزندانشان شمرده می شوند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

من أدرك له ولد و عنده ما یزوجه فلم یزوجه فأحدث فالأثم بینهما. (۲۲۲)

کسی که فرزندش به حدّ رشد برسد و امکانات تزویج او را داشته باشد و اقدام نکند، و در نتیجه فرزند او مرتکب گناه می شود، این گناه برای هر دو نوشته می شود.

در اینجا این نکته اخلاقی و اجتماعی را یاد آور می شویم که مسلمانان، هزینه ازدواج را سَبْک و آسان بگیرند، تا مانع دشواری بر سر راه ازدواج پیدا نشود، و اگر کسی توانایی این هزینه جزئی را هم ندارد، وظیفه اخلاقی همه کسانی که توانایی امر ازدواج او را دارند، این است که او را یاری دهند.